



# تحلیل گفتمان انتقادی و علوم شناختی

(چشم اندازهای نوین پیرامون گفتمان مهاجرت)

نویسنده:

کریستوفر هارت

مترجمان:

**دکتر مسعود دهقان**

استادیار زبان شناسی دانشگاه کردستان

**دکتر فردوس آقاگل زاده**

استاد زبان شناسی دانشگاه تربیت مدرس

**دکتر بهناز وهابیان**

دانش آموخته دکتری زبان شناسی



## سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه	هارت، کریستوفر Hart, Christopher
عنوان و نام پدیدآور	تحلیل گفتمان انتقادی و علوم شناختی: چشم‌اندازهای نوین پیرامون گفتمان مهاجرت / نویسنده کریستوفر هارت؛ مترجمان مسعود دهقان، بهناز وهابیان؛ ویراستار و ناظر علمی فردوس آقاگل‌زاده.
مشخصات نشر	تهران : نشرنویسه پارس، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۳۸۰ صفحه
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۶۶۴۹-۱۷-۹
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
یادداشت	عنوان اصلی: Critical discourse analysis and cognitive science : new perspectives on immigration discourse, 2015
عنوان دیگر	چشم‌اندازهای نوین پیرامون گفتمان مهاجرت.
موضوع	گفتمان انتقادی Critical discourse analysis
موضوع	دستور زبان‌شناختی Cognitive grammar
موضوع	مهاجرت -- پوشش مطبوعاتی Emigration and immigration -- Press coverage
شناسه افزوده	دهقان، مسعود، ۱۳۵۷ - مترجم
شناسه افزوده	آقاگل‌زاده، فردوس، ۱۳۳۵ - مترجم
شناسه افزوده	وهابیان، بهناز، ۱۳۵۲ - مترجم
رده بندی کنگره	۳۷۳۱۳۹۸/۵:۳۰۲ P3۳
رده بندی دیویی	۴۰۱/۴۱
شماره کتابشناسی ملی	۵۶۳۵۲۳۸



این کتاب ترجمه‌ای است از:

## Critical Discourse Analysis and Cognitive Science

### New Perspectives on Immigration Discourse

©Christopher Hart 2010

نویسندگان: کریستوفر هارت Christopher Hart

مترجمان: مسعود دهقان، فردوس آفاگل زاده، بهناز وهابیان

طراح جلد، گرافیک، ناظر فنی هنری: محمد محرابی

صفحه آرای: محمد محرابی

ناشر: نشر نویسه پارسی

دفتر انتشارات: ۰۲۱-۷۷۰۵۳۲۴۶

فروشگاه: ۰۲۱-۶۶۴۶۱۰۰۷

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۴۵۵۴۵۵۴۱۴۲

وبگاه: [www.neveeseh.com](http://www.neveeseh.com)

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۸

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۴۹-۱۷-۹

چاپ و صحافی: روز

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به «نشر نویسه پارسی» است.  
تکثیر و انتشار این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، بدون مجوز قبلی و کتبی  
ممنوع و مورد پیگیری قانونی قرار خواهد گرفت.

تحلیل گفتمان	شماره مسلسل انتشارات
۹	۸۹





گفتمان در گستره مفهومی خود، مخصوصاً در بیانی غیرفنی، تنها به معنای گفتگو و محاوره ایست که بین دو یا چند نفر به طور همزمان در جریان است که می‌توان آن را به نوبه خود نوعی آموزش به حساب آورد. شاید بر همین اساس بتوان واژگانی همچون سمینار، سخنرانی، خطابه، موعظه و امثال آن را نوعی گفتمان به حساب آورد. گفتمان را اگر چه برای اولین بار استاد چامسکی، زلیگ هریس، در مقاله خود با عنوان «تحلیل گفتمان» در سال ۱۹۵۲ در مجله زبان به کار برد، اما خود واژه گفتمان از قدمت والایی برخوردار است، به گونه‌ای که می‌توان به قرن هشتم میلادی، قرن دوم هجری قمری، یعنی زمانی که محمد بن عمر و بن عثمان بن قنبر ملقب به سیبویه ایرانی کتاب ارزشمند خودش را در خصوص نحو زبان عربی با عنوان الکتاب به چاپ رساند. وی در آن کتاب به خوبی و به درستی واژه گفتمان را به کار گرفت. از این رو، واژه گفتمان واژه‌ای کهن است. شایان ذکر است که گفتمان به جنبه‌هایی از زبان می‌پردازد که تنها می‌توان آن‌ها را با ارجاع به متکلم، یعنی گوینده، شنونده یا مخاطب، همچنین شرایط بافتی مکانی و زمانی و نیز عوامل دیگری بیان نمود که همگی در مشخص نمودن بسترهای بافت موقعیتی کلام یا پاره‌گفتار بکار می‌روند. در این کاربرد فنی، گفتگو شرط مقدماتی هر گفتمان است، حال آن که به باور برخی زبان‌شناسان گفتمان هم گفتار و هم نوشتار را که در جریان اجتماعی شکل می‌گیرد می‌تواند شامل باشد. به عبارتی، گفتمان‌ها از هویت و ساختاری اجتماعی برخوردارند که بر حسب شرایط بافتی زمان و مکان قابل تغییر هستند. گفتمان‌ها با توجه به کارکردهای اجتماعی (social practices) مختلفی که در آن‌ها شکل می‌گیرد و نیز با توجه به مؤلفه‌های بافتی متفاوت همچون گوینده یا نویسنده، شنونده یا خواننده و کسانی که مخاطب آنان هستند فرق می‌کند. در یک بررسی کلی، می‌توان گفتمان را رویکردی ساختاری به متن دانست که امکان پیوند متن را به جنبه‌های مختلف جامعه‌شناختی میسر می‌سازد. در واقع، گفتمان ماحصل یک پدیده اجتماعی و یا رویکرد جامعه‌شناختی

به مقولهٔ زبان است، و دلالت بر آن دارد که متن خود امری اجتماعی است که همراستا با روابط اجتماعی و نه جدای از آن تکامل و تکوین می یابد.

و اما اصطلاح تحلیل گفتمان که در زبان فارسی معادل های فراوانی همچون تجزیه و تحلیل مقال که اسم قدیمی آن است، تجزیه و تحلیل کلام، تجزیه و تحلیل گفتمان، سخن کاوی برای آن از سوی متخصصین در این حوزه و نیز زبان شناسان در نظر گرفته شده است و تدریجاً هم شاید گفتمان شناسی بتواند جایگزین همهٔ آنها بشود- بخصوص این جایگزینی موجه می شود از طریق رویکردی که از دههٔ ۱۹۷۰ از سوی مایکل هالیدی با عنوان دستور نقش گرای نظام مند یا آنچه که زبان شناسی نظام مند (systemic linguistics) خوانده می شود معرفی شد. از این روست که اصطلاح تحلیل گفتمان به نظریه ای دربارهٔ تحلیل متن تبدیل شده است. پیشتر این اصطلاح همچون contrastive analysis و error analysis صرفاً تحلیل بود و هیأت نظریه نداشت، همان گونه که از نامشان پیداست. اما چند سالی است که هیأت نظریه پیدا کرده است و به همین دلیل است که دور از انتظار نیست که ما تدریجاً گفتمان شناسی را به جای discourse analysis جایگزین کنیم.

تحلیل گفتمان، یک گرایش مطالعاتی بینارشته ای است که از اواخر دههٔ ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ی ۱۹۷۰ در پی تغییرات گستردهٔ علمی-معرفتی، در رشته هایی چون انسان شناسی، قوم نگاری، جامعه شناسی، روان شناسی ادراکی و اجتماعی، شعر، معانی و بیان، زبان شناسی، نشانه شناسی و سیر رشته های علوم اجتماعی و انسانی علاقمند به مطالعات نظام مند ساختار، کارکرد و فرآیند تولید و درک پاره گفته ها ظهور کرده است. همان گونه که در ابتدای این پیشگفتار هم گفته شد، اصطلاح discourse analysis و نه واژهٔ discourse را هریس از مکتب ساختگرایی آمریکایی و در واقع نمایندهٔ پسا بلومفیلدی در سال ۱۹۵۲ وضع نمود. وی برای اولین بار این اصطلاح را در معنای تحلیل صورتگرایی و ساختارگرایی جملات و کل متن به کار بست. هریس در مقالهٔ خود به این موضوع پرداخته است که برای اصطلاح تحلیل گفتمان دو معنا و تفسیر را می توان لحاظ کرد که یکی نگاه فراتر از

جمله است و تفسیر دیگر آن به رابطه بین زبان و عوامل غیرزبانی همچون جامعه، فرهنگ، سیاست و غیرو اشاره دارد. وی در آن مقاله بیان می‌دارد که راه دوم و تفسیر دوم، راهی بی‌نتیجه و بیهوده است و بنابراین گفتمان همان نگاه و راه اول است که می‌گوید "گفتمان از جمله فراتر می‌رود". پاسخ هریس به این پرسش که آیا می‌توان از واحدهایی سخن بگوئیم که توالی بندها و به عبارتی تجمع بندها هستند، آری است که اسم آن را گفتمان گذاشت. پس گفتمان را هریس این گونه تعریف کرد: توالی بندها. وی ادامه می‌دهد و می‌گوید که جور دیگری هم البته می‌شود از بند صحبت کرد. می‌گوید نگوییم که توالی جمله‌ها یا بندها می‌شود متن، بلکه رابطه این بند با کارکرد فرهنگی-اجتماعی آن در نظر بگیریم. آن هم نگاه دیگریست. اما هریس ادامه می‌دهد که این زمینه مورد علاقه من نیست، من به این کاری ندارم، چرا که من هریس درون‌گرا هستم و تعالی‌گرایی را باور ندارم. در واقع او ادامه دهنده خط فکری بومفیلد است و می‌گوید من با چنین نگاهی به بند و توالی بندها موافق نیستم. وی بیان می‌دارد که من آن مسیری را می‌پیمایم که گفتمان را به عنوان یک واحد ساختاری، یک واحد صوری و یعنی توالی بندها تعریف می‌کنم. اما نکته اینجاست که این تعریف از گفتمان توسط هریس شروع شد و با او خاتمه یافت و هیچ دوام و قوامی نیافت. پس چه نگاهی تدام یافت؟ در ذیل به این پرسش پاسخ خواهم داد.

در پاسخ به پرسش مطرح شده در بالا باید گفت که رویکرد دیگری به تحلیل گفتمان تداوم یافت که آن را مایکل هلیدی (Michael Halliday) در دهه ۱۹۷۰ با نام تحلیل گفتمان توصیفی (متداول یا رایج) descriptive discourse analysis به جامعه علمی آن زمان معرفی کرد و از این رو هیأت نظریه پیدا کرد، چرا که دستوری در پس آن بود که دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی systemic functional grammar نام داشت. در این رویکرد زبان اصل بود که شاهد بازنمایی‌های مختلف از آن بودیم و آن بازنمایی‌های مختلف گفتمان‌های مختلفی بودند که حول مقوله اصلی یعنی زبان شکل می‌گرفتند.

شایان ذکر است که ورود این اصطلاح به عرصه‌های دیگر علمی همچون علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و ارتباطات و در واقع خروج آن از انحصار زبان‌شناسی، به دوران جدید برمی‌گردد. در این دوران، تحلیل گفتمان را به‌صورت تحلیل گفتمان انتقادی *critical discourse analysis* استفاده کردند و آن را از صرف یک روش علمی برای تحلیل زبان، خارج کرده و با مکاتب و نظریات انتقادی مثل فرانکفورت، فمینیسم و ... پیوند دادند؛ تا جایی که امروزه تحلیل گفتمان در رشته‌های علوم انسانی، علوم اجتماعی، ارتباطات، رسانه‌ها با دیدگاه انتقادی همراستاست. از جمله متفکرانی که در مغرب‌زمین، این‌گونه مطالعات را از زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی انتقادی، وارد مطالعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کرده و بدان شکل انتقادی دادند، می‌توان به میشل فوکو، ژاک دریدا و میشل پشو اشاره کرد. این اندیشمندان که تحلیل گفتمان را بیشتر در قالب تحلیل گفتمان انتقادی بسط و گسترش دادند، خود، وامدار مکتب انتقادی فرانکفورت و وارثان مستقیم و غیرمستقیم آن (مارکیست‌های جدید به‌ویژه گرامشی و پیروانش، ساختارگرایانی چون آلتوسر و محققان مکتب فمینیسم) در دهه ۱۹۶۰ بودند.

کتاب حاضر از سه بخش تشکیل شده است. بخش اول کتاب به مبحث تحلیل گفتمان انتقادی و رویکرهای متفاوت آن اشاره دارد و نقش رسانه‌های گروهی را نیز مورد توجه قرار داده است. در بخش دوم کتاب با روان‌شناسی تکاملی و اصول مطرح در کاربردشناسی زبان و نیز تحلیل گفتمان همچون اصول همکاری در ارتباطات و نیز اصول گرایسی آشنا خواهیم شد. همچنین به مفاهیم پیوستگی و انسجام و نیز موضوع گواه‌نمایی پرداخته است. در بخش سوم کتاب با رویکرد و انقلاب دیگری در زبان‌شناسی آشنا خواهیم شد که رویکرد زبان‌شناسی شناختی نام دارد و در این بخش، همان‌گونه که از عنوان کتاب نیز پیداست، علاوه بر مفاهیم و نظریه‌های اساسی مطرح در رویکرد شناختی، همچون استعاره و نظریه‌های مختص آن از قبیل نظریه‌های استعاره مفهومی و آمیختگی مفهومی به ارتباط این رویکرد و تحلیل گفتمان اشاره شده است.



نکته پایانی که ذکر آن لازم به نظر می‌رسد آن است که تحلیل گفتمان انتقادی که اساساً بایستی به ابعاد گفتمانی سوء استفاده از قدرت و بی‌عدالتی و نابرابری ناشی از آن بپردازد، برخلاف تحلیل گفتمان توصیفی، هدف تحلیل گفتمان انتقادی عمدتاً ارائه یک راهکار علمی، انگاره، مکتب یا به‌طور کلی نظریه گفتمانی ویژه نیست؛ بلکه اساساً به بررسی مسائل مهم اجتماعی راغب است و می‌کوشد تا از طریق تحلیل گفتمان، درک بهتری از آن‌ها ارائه دهد. از این رو، تحلیل‌گر گفتمان انتقادی همچون پژوهشگری به دنبال حقایقی است که در پس هر واقعیتی خود را نهفته و پنهان کرده است.

با درک مبحث تحلیل گفتمان توصیفی و انتقادی، مترجمان این کتاب ارزشمند در صدد بوده‌اند تا با ترجمه این اثر ارزنده گامی هر چند کوچک در مسیر گسترش این حوزه در جامعه ایران بردارند. امید است که ترجمه این کتاب بتواند برای همه علاقمندان به این حوزه نوپای علوم انسانی و علوم اجتماعی در ایران مفید و راهگشا باشد.

در پایان وظیفه خود می‌دانیم تا از جناب آقای دکتر امیر احمدی عزیز و ارجمند مدیر محترم نشر نویسه پارسی که همچنان در پیشبرد دانش زبان‌شناسی در ایران و انتشار کتاب‌های ارزشمند در این حوزه نقش ارزنده‌ای را ایفا نموده است، نهایت تشکر و قدردانی خود را ابراز داریم.

مسعود دهقان

عضو هیئت علمی و استادیار زبان‌شناسی دانشگاه کردستان

تابستان ۱۳۹۸



## فهرست مطالب

پیشگفتار مترجمان..... ۵

### | بخش نخست: حوزه تحلیل گفتمان انتقادی ۲۱ |

مقدمه..... ۲۳

#### ● فصل اول: تحلیل گفتمان انتقادی ۳۷ ●

۱-۱. مقدمه..... ۳۹

۲-۱. رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی..... ۴۰

۳-۱. انگاره اجتماعی-شناختی..... ۴۲

۴-۱. نقش رسانه‌های گروهی..... ۴۴

۵-۱. خط‌مشی‌های جدید..... ۴۸

۱-۵-۱. روان‌شناسی تکاملی..... ۴۹

۲-۵-۱. زبان‌شناسی شناختی..... ۵۴

۶-۱. خلاصه..... ۶۴

### | بخش دوم: روان‌شناسی تکاملی ۶۵ |

#### ● فصل دوم: ارتباطات، همکاری و سوءاستفاده ۶۷ ●

۱-۲. مقدمه..... ۶۹

۲-۲. بازنمایی‌ها..... ۶۹

۳-۲. ارتباط و بازنمایی‌ها..... ۷۱

۴-۲. ارتباط به قصد همکاری..... ۷۴

۵-۲. همکاری در ارتباط..... ۷۹

۶-۲. ارتباط به قصد سوءاستفاده..... ۸۱

۷-۲. خلاصه..... ۸۹

#### ● فصل سوم: راهبردهای ارجاعی ۹۱ ●

۱-۳. مقدمه..... ۹۳

۲-۳. تهدیدهای بین‌گروهی در محیط سازگاری تکاملی..... ۹۵

۳-۳. پاسخ‌های سازگاریافته .....	۹۷
۳-۴. سازگاری‌ها در جهان معاصر .....	۹۹
۳-۵. گفتمان به مثابه درون‌داد .....	۱۰۱

### ● فصل چهارم: راهبردهای محمولی و مجاورتی ۱۱۱ ●

۴-۱. مقدمه .....	۱۱۳
۴-۲. اجبار .....	۱۱۴
۴-۳. محمول .....	۱۱۷
۴-۴. لایه شناسایی-متقلب .....	۱۲۱
۴-۵. فعال سازی حوزه شناسایی-متقلب .....	۱۲۷
۴-۵-۱. مقوله معایب، بار، مالی و جابجایی .....	۱۲۹
۴-۵-۲. مقوله بهره‌برداری .....	۱۳۲
۴-۵-۳. مقوله فرهنگ، شخصیت و جرم .....	۱۳۶
۴-۶. فعال سازی حوزه‌های احساس: خشم و ترس .....	۱۳۸
۴-۶-۱. مقوله‌های خطر، جابه‌جایی و بیماری .....	۱۴۱
۴-۷. مجاورت .....	۱۴۳
۴-۸. خلاصه .....	۱۴۸

### ● فصل پنجم: راهبردهای مشروعیت بخشی ۱۵۱ ●

۵-۱. مقدمه .....	۱۵۳
۵-۲. مشروعیت بخشی .....	۱۵۵
۵-۲-۱. پیوستگی معنایی درونی .....	۱۵۶
۵-۲-۲. پیوستگی معنایی بیرونی .....	۱۶۰
۵-۳. خلاصه .....	۱۷۱

| بخش سوم: زبان شناسی شناختی ۱۷۳ |

### ● فصل ششم: مفهوم سازی ۱۷۵ ●

۶-۱. مقدمه .....	۱۷۷
۶-۲. فضاها .....	۱۷۷

۳-۶. قالب‌ها و طرح‌واره‌ها.....	۱۸۰
۴-۶. استعاره‌های مفهومی و آمیخته‌های مفهومی.....	۱۸۸
۱-۴-۶. نظریه آمیختگی مفهومی.....	۱۹۰
۲-۴-۶. استعاره‌های مفهومی و قراردادی.....	۲۰۰
۵-۶. خلاصه.....	۲۰۳

## ● فصل هفتم: استعاره ۲۰۵ ●

۱-۷. مقدمه.....	۲۰۷
۲-۷. استعاره.....	۲۰۷
۳-۷. تعریف استعاره در گفتمان.....	۲۱۲
۴-۷. استعاره‌ها برای بریتانیا.....	۲۱۴
۱-۴-۷. تحریک یا برانگیختن حروف اضافه.....	۲۱۷
۲-۴-۷. تحریک یا برانگیختن واژگانی.....	۲۲۰
۵-۷. استعاره‌ها برای مهاجرین و مهاجرت.....	۲۳۴
۱-۵-۷. استعاره‌های جنگ.....	۲۳۴
۲-۵-۷. استعاره‌های آب.....	۲۳۸
۶-۷. خلاصه.....	۲۵۱

## ● فصل هشتم: نیرو- پویایی و وجه معرفت‌شناختی ۲۵۳ ●

۱-۸. مقدمه.....	۲۵۵
۲-۸. نیرو- پویایی.....	۲۵۶
۳-۸. وجه معرفت‌شناختی.....	۲۶۶
۱-۳-۸. ارزیابی.....	۲۶۹
۲-۳-۸. اقتدار.....	۲۷۲
۳-۳-۸. وجه معرفت‌شناختی در مقابل گواه‌نمایی.....	۲۷۳
۴-۸. نشانگرهای وجه معرفت‌شناختی.....	۲۷۷
۵-۸. وجه معرفت‌شناختی و نیرو- پویایی.....	۲۸۳
۶-۸. خلاصه.....	۲۸۷

نکات پایانی.....	۲۸۹
یادداشت‌ها .....	۳۰۳
فهرست منابع.....	۳۲۳
واژه‌نامه.....	۳۴۹
نمایه .....	۳۷۷

۴۳	۱-۱. مثلث ساختار اجتماعی-شناختی-متنی
۶۳	۲-۱. طرح‌واره رویداد قانونی
۶۳	۳-۱. مفهوم‌سازی در (۲)
۱۵۶	۱-۵. راهبردها و نقش‌ها
۱۶۲	۲-۵. قلمرو معنایی گواه‌نمایی
۱۶۷	۳-۵. مبنای دانش به عنوان گواه در گفتمان خبری
۱۷۹	۱-۶. فضاهای ذهنی در (۱)
۱۸۵	۲-۶. طرح‌واره موقعیتی/رویدادی اصلی در گفتمان مهاجرت
۱۸۵	۳-۶. مفهوم‌سازی در (۴)
۱۸۶	۴-۶. طرح‌واره برای موقعیت ثابت در گفتمان مهاجرت
۱۸۶	۵-۶. ماهیت ساخت معنا
۱۸۷	۶-۶. نمودار اصلی آمیختگی مفهومی
۱۹۸	۷-۶. شبکه آمیختگی در (۶)
۲۱۶	۱-۷. طرح‌واره حجم
۲۲۱	۲-۷. آمیختگی بریتانیا به مثابه حجم
۲۲۸	۳-۷. آمیختگی بریتانیا به مثابه مکان
۲۳۵	۴-۷. آمیختگی هجوم مهاجرین
۲۴۱	۵-۷. آمیختگی حرکت مهاجرین
۲۵۸	۱-۸. عناصر نیرو-پویایی
۲۵۸	۲-۸. الگوهای اساسی وضعیت پایدار نیرو-پویایی
۲۶۳	۳-۸. تغییر در وضعیت الگوهای مرتبط
۲۶۵	۴-۸. تغییر در توازن الگوی قدرتی «فوق‌العاده»
۲۶۵	۵-۸. الگوی ثانویه وضعیت پایدار برای ورود گسترده
۲۶۸	۶-۸. پیوستار معرفت‌شناختی
۲۷۱	۷-۸. فضاهای ذهنی و راهبردی در گفتمان
۲۷۲	۸-۸. سطوح اقتدار پیرامون مقیاس معرفت‌شناختی
۲۷۵	۹-۸. گواه‌نمایی پیرامون مقیاس معرفت‌شناختی
۲۷۸	۱۰-۸. مفهوم‌سازی در (۱۹)
۲۸۰	۱۱-۸. مفهوم‌سازی در (۲۱)
۲۸۲	۱۲-۸. مفهوم‌سازی در (۲۴)
۲۸۳	۱۳-۸. بازنمایی و مشروعیت‌بخشی در ساخت قانونی

## فهرست جدول‌ها

۱-۱. اعداد و ارقام فروش روزنامه‌های ملی بریتانیا.....	۴۷
۱-۳. راهبردهای ارجاعی.....	۱۰۴
۱-۴. مقوله‌های مکرر و تداعی‌های شاخص.....	۱۲۰
۲-۴. ماتریس مجازات در معضل زندانی.....	۱۲۲
۳-۴. راهبردهای بازنمایی در ساخت کانونی.....	۱۴۷
۱-۷. عناصر قالب مکان.....	۲۲۶



تحلیل گفتمان انتقادی (CDA) به لحاظ نظری ادعا دارد که مبتنی بر شیوه به‌گزینی است. با این حال، توصیف آن از کاربرد زبان تا حد زیادی محدود به چارچوب‌های جامعه‌شناختی زبان و تشریح آن از تأثیر متون در قالب نظریه اجتماعی بوده و هست. حلقه مفقوده چارچوب‌های نظری و تحلیلی آن، توصیفات کاربرد زبان و تبیین‌های شناختی برای تأثیرات متون است. این کتاب برای تحلیل کاربرد صوری و ایدئولوژی گفتمان سیاسی مدلی را مطرح می‌کند که بر اساس زبان‌شناسی شناختی و روان‌شناسی تکاملی در راستای ابزارهای معیار تحلیل گفتمان انتقادی است. استدلال شده است که تحلیل گفتمان انتقادی باید ساختار شناختی معنا و فرایندهای روان‌شناختی بیشتر درگیر در گفتمان مهاجرت را برای ارزیابی کامل پیوند بین کاربرد زبان و نابرابری اجتماعی در نظر بگیرد. مدل توسعه‌یافته مرتبط با رویکرد اجتماعی-شناختی بوده و در یک نمایش انتقادی از گفتمان مهاجرت در نشریات بریتانیا به کار گرفته شده است. مهاجرت یک مسئله بحث برانگیز در بریتانیا بوده و توسط رسانه‌ها تقویت می‌شود. به عنوان یک معیار، بین سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ سه قانون عمده محدودکننده مهاجرت و پناهندگی که ناظر بر سکونت خارجی‌ان بود از پارلمان صادر گردید. مهاجرت در قبال انتخابات عمومی سال ۲۰۰۵، به ویژه برای حق سیاسی بود. و به تازگی احزاب حاشیه‌ای در راستای افراتیون راست‌گرای طیف سیاسی به موفقیت بی‌سابقه‌ای در سطح محلی، ملی و اروپایی دست یافتند. اکنون بیش از پیش ضرورت دارد که تحلیل گفتمان انتقادی از ابزارهای جدید برای حل مسائل قدیمی استفاده نماید.

کریستفر هارت

هرت فوردهیر ۲۰۱۰



هیچ کتابی در خلأ نوشته نمی‌شود. در واقع محتوای کتاب‌ها، حاصل نوعی محاوره و تعامل هستند. دیدگاه‌های عرضه‌شده در بحث با همکاران مختلف ایجاد می‌شود، اگرچه مسؤول هر گونه خطا در کتاب خود نویسندگان هستند. من امیدوارم که دیدگاه دیگر همکارانی که به قدر کافی برای به اشتراک گذاشتن نظراتشان بخشنده بودند را بد منعکس نکرده باشم. کتاب‌ها نیازمند حمایت و تشویق افراد شریک در زندگی خصوصی ما نیز هستند. در نتیجه باید از همه افرادی که به هر طریقی در نگارش این کتاب تاثیرگذار بودند، تشکر نمایم.

اول از همه باید از والدینم تشکر کنم و این کتاب را به ایشان هدیه می‌کنم که الهام‌بخش و محرک من برای این پروژه بوده‌اند. دوماً باید از پاول چیلتن تشکر کنم. پاول به راستی پدرخواندهٔ زبان‌شناسی سیاسی بوده و تأثیر او بر این کار آشکار خواهد بود و بخاطر صرف وقت و آگاهیشان از ایشان نیز سپاسگزارم. همچنین باید از ورنیکا کولر، پیوتر کپ و یک نویسندهٔ بی‌نام برای نظراتشان دربارهٔ جنبه‌های مختلف این کتاب در مراحل مختلف قدردانی نمایم. همچنین به جوانا مارین آرسه و دیگران در دانشگاه مادرید برای کمک به من با بحث‌های بسیار آگاهی‌بخش در مراحل پایانی تکمیل کتاب مدیون هستم. البته از همهٔ همکارانم که طی چهار سال گذشته، توانستم در کنفرانس‌های مختلف نظراتم را با ایشان در میان بگذارم، سپاسگزارم. اکنون دانشیار دانشگاه هرتفوردشیر هستم. به دلایل بسیار، از همهٔ همکارانم در آنجا و خصوصاً مارجلین گریفما به خاطر شور و اشتیاقش به زبان‌شناسی ممنون هستم. در آخر و البته نه از نظر اهمیت، باید از هیتز به خاطر عشق، درک، بخشش و خصوصاً بردباریش در موارد بسیاری که نوشتن این کتاب تأثیر اجتناب‌ناپذیری بر زندگی ما گذاشت، تشکر کنم. باید بگویم که همواره مشتاق و محتاج عشق و حمایت مداوم شما خواهم بود.

کریستوفر هارت